

| معرفی کتاب «سرزمین مقدس»

سرزمین مقدس؛ تکہ تکہ شدہ با دیوارها و مرزها



● عنوان: **سرزمین مقدس**

● نویسنده: **گی دولیل**

● ناشر: **نشر اطراف**

● تعداد صفحات: **۳۴۸**

● توضیحات:

اطلاعات جذابی درباره فلسطین از زبان

نویسنده‌ای که مشاهدات روزمره و

عادی‌اش را به تصویر می‌کشد، در

سرزمینی که اصلاً وضعیت عادی ندارد.

«به طراحیم از قبرستان بیت‌لحم نگاه می‌کند، با دیوار و یک برج مراقبت در پس زمینه. این رو می‌بینی؟ حتی بعد از مرگمون هم چشم ازمون برنمی‌دارن. می‌خوان مطمئن باشن که از اون دنیا برنمی‌گردیم.» گی‌دولیل، کارتونیست و نویسنده اهل کانادا است که به واسطه کار همسرش در سازمان پزشکان بدون مرز، یک‌سال در فلسطین اشغالی ساکن می‌شود؛ سفرنامه مصور «سرزمین مقدس» حاصل همین سفر است. دولیل، نویسنده‌ای سیاسی نیست و سفرنامه‌اش یک روایت عادی از یک شرایط و سرزمین بسیار غیرعادی است.

سفرنامه مصور «سرزمین مقدس» از جایی آغاز می‌شود که گی دولیل همراه همسر و دو فرزندانش به سرزمین‌های اشغالی می‌رسد. منزل محل اقامت آن‌ها در بخش شرقی قدس است. «اینجا بخش شرقی قدسه، یه روستای عرب‌نشین که بعد از جنگ شش‌روزه سال ۶۷ تصرف شده.» اولین سؤال دولیل به‌عنوان کسی که تقریباً چیزی از فلسطین نمی‌داند این است: «یعنی ما توی اسرائیلیم؟» و پاسخی که می‌گیرد دلیل جذابیت این سفرنامه مصور است. دقیقاً اسرائیل کجاست؟ مردم در سرزمین‌های اشغالی چطور زندگی می‌کنند؟

«طبق نظر دولت اسرائیل مطمئناً ما توی اسرائیلیم، اما از نظر جامعه بین‌المللی که مرزهای سال ۱۹۶۷ رو به رسمیت نمی‌شناسه، در واقع، توی کرانه باختری هستیم که قراره تبدیل بشه به فلسطین، اگه اون روز بالاخره برسه.» در نگاه ساکنان فلسطین و بسیاری از مردم جهان اساساً کشوری به نام اسرائیل وجود ندارد، اما عجیب‌تر این است که دولت اسرائیل حتی از قوانین بین‌المللی هم پیروی نمی‌کند.

به‌عنوان مخاطبی که هیچ‌گاه اسرائیل را ندیده و فراتر از آن هیچ تصویر دقیقی از مسئله اشغال یک سرزمین ندارد، سفرنامه دولیل یک گنجینه محسوب می‌شود. دولیل، در همان روزهای اول اقامت، با ویژگی‌های عجیب و دشوار این سرزمین آشنا می‌شود. «اتوبوس‌های اسرائیلی همه جا می‌روند، جز محله‌های عرب‌نشین.» «و مینی‌بوس‌های عرب‌ها که فقط در محله‌های عرب‌نشین کار می‌کند.» «یک عالمه آدم هست و نیروهای امنیتی در حال گشت‌زنی که تعدادشان بیشتر از حد لازم است.»

اولین و شاید عجیب‌ترین تصویر زندگی در سرزمین‌های اشغالی همین است؛ سرزمینی که پیش از این مسلمان و مسیحی و یهودی در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند حالا به یک نقشه تکه‌وپاره و درهم‌برهم تبدیل شده که در هر قدم یک ایست بازرسی دارد. «فقط مردهای بالای پنجاه سال و زن‌های بالای چهل‌وپنج سال مجوز دارن می‌تونن رد بشن.» و در هر ایست بازرسی مردمی برای حق طبیعی‌شان، یعنی تردد در سرزمین مادری، با اشغالگران درگیرند. «سنگ‌ها از کجا می‌آیند؟ نمی‌شود گفت. شاید از پشت اتوبوس‌ها. متوجهم که احتمال زخمی شدن وجود دارد، با این حال، آدم تعجب می‌کند وقتی می‌بیند سربازهای به این مجرزی از دست چندتا سنگ‌ریزه پناه می‌گیرند. دومین انتفاضه سنگ سال ۲۰۰۶ تمام شد، اما امروز صبح کمی دستم آمد که چه شکلی بوده.»

پست بازرسی علاوه بر خیابان‌ها در همهٔ مکان‌های عمومی هم برقرار است. در بخشی از سفرنامه، دولیل قصد دارد به یک مرکز خرید وارد شود و کسی از او می‌پرسد که اسلحه دارد؟ و او فکر می‌کند که شوخی می‌کند. «اما بعد که دیدم خیلی‌ها تفنگ و مجوز اسلحه‌هایشان را نشان می‌دهند، فهمیدم که قضیه مسخره‌بازی نیست.» دیدن افراد مسلح در کوچه و خیابان و بازار به تدریج در یک سال اقامتش عادی‌تر می‌شود و همه این تصاویر در کنار هم تصویر این سرزمین اشغال‌شده را کامل‌تر می‌کند.

«یک روز صبح دارم از چند پیرمرد توی کافه طرح می‌زنم که یکهو متوجه می‌شوم مردی تفنگ به دست دارد راهش را از بین جمعیت باز می‌کند، به خودم می‌گویم عجب جای عجیبی، دیدن یک مرد مسلح در خیابان هیچ بلوایی به پا نمی‌کند.»

شاید جذاب‌ترین ویژگی این سفرنامه، مصوربودن آن باشد. دولیل، فقط حوادث را با استفاده از کلمات روایت نمی‌کند. او بخش‌های مختلف فلسطین اشغالی را تصویر کشیده است؛ مثلاً، مدت‌زمان زیادی مشغول طراحی دیوار حائل است.

در بخش‌های مختلف کتاب، نقشه‌هایی کشیده و وضعیت فلسطین اشغالی را به صورت دقیق توضیح داده است. ناشر، در توضیح بخش‌هایی از داستان، در پاورقی بخش‌هایی از تاریخ اشغال فلسطین را روایت کرده است. همه این موارد در کنار هم موجب می‌شود که این کتاب تصویر دقیقی از تاریخ و جغرافیای فلسطین در ذهن خواننده شکل بدهد. این کتاب برای بچه‌های متوسطه دوم که سوالات زیادی در مورد فلسطین دارند، اطلاعات جذابی دارد؛ از زبان نویسندگانی که سیاسی نیست و مشاهدات روزمره و عادی‌اش را به تصویر می‌کشد، در سرزمینی که اصلاً وضعیتی عادی ندارد.

| معرفی کتاب «سرزمین مقدس» | خوانش بخش‌های منتخب |

سرزمین مقدس؛ تکه‌تکه شده با دیوارها و مرزها



وقتی با بچه‌های کلاس نهم کتاب سرزمین مقدس را خواندیم، از آن‌ها خواستم که از قسمت‌هایی از کتاب که خوششان آمده عکس بگیرند. انتظار داشتم که بچه‌ها به بخش‌های طنز کتاب اشاره کنند که گی‌دولیل به خوبی از پس آن برآمده و خیلی وقت‌ها خواننده را به خنده می‌اندازد؛ اما بچه‌ها علاوه بر قسمت‌های طنز، بخش‌های مختلفی را انتخاب کرده بودند که نشان می‌داد هر بخش برای هر خواننده جذابیت خودش را دارد. یکی از بچه‌ها بخشی از کتاب را انتخاب کرده بود که در یک صفحه تاریخ بیت‌المقدس را به تصویر می‌کشد:

«اینجا برای هر سه دین ابراهیمی اصلی، مقدس به شمار می‌آید و فضایش حدود یک پنجم شهر قدیمی را در بر می‌گیرد. چهار هزار سال پیش، خدا ابراهیم را به این تپه فرستاد تا پسرش را قربانی کند. اولین معبد را سلیمان نبی سال ۹۶۰ پیش از میلاد در همین محل ساخته ...»

گی دولیل، به بخش‌های مختلفی از فلسطین سفر می‌کند و تجربیاتش را با کشیدن تصاویر، با خواننده به اشتراک می‌گذارد. در بخش دیگری از داستان به کلیسای مقبره مقدس می‌رود:

«این کلیسا برای مسیحی‌ها مقدس‌ترین جاست. جلوی ورودی سنگی هست که می‌گویند بدن مسیح بعد از مصلوب شدن رویش شسته‌شده، سمت راستمان جلجتاست؛ جایی که می‌گویند مسیح به همراه دو دزد به صلیب کشیده شده ... روی دیوار منتهی به سرداب یک عالمه صلیب کوچک هست که زائرها در طول جنگ‌های صلیبی حکاکی کرده‌اند.»

دولیل در سفرش با راننده‌ای آشنا می‌شود که از آمریکا به فلسطین برگشته است:

«معلوم می‌شود عربی زمانی در واشینگتن زندگی می‌کرده. به انگلیسی مسلط است و شغل خوبی هم آنجا داشته ... فهمیدم که در روسیه هم زندگی کرده و آنجا درس خوانده، روسی یاد گرفته و شغل خوبی هم گیرش آمده بود.

- تو خارج زندگی کردی، شغل خوبی داشتی، اون وقت الان با زنت توی یه اتاق کوچیک توی خونه عموت زندگی می‌کنی و راننده پاره‌وقت سازمان پزشکان بدون مرزی؟ چی شد که برگشتی؟ اصلا نمی‌فهمم ...

- من فلسطینی‌ام. اگر بیشتر از سه سال از منطقه خارج بشم، دیگه ساکن کشور خودم به حساب نمی‌آم ... برای همین با زخم او مدیم که مدارکمون رو تمدید کنیم. یه کم طول می‌کشه.
- بی‌شوخی تا حالا به سرت نزده که اینجا رو بی‌خیال شی و بری یه کشوری مثل آمریکا زندگی کنی؟
- نه اینجا خونه منه! نمی‌تونن مجبورم کنن ازش برم!»

شاید یکی از جالب‌ترین بخش‌های سفرنامه جایی است که گوی دو لیل همراه با دو گروه مختلف به بخشی از شهرک‌های اشغالی می‌رود. راهنمای گروه اول که خود یک سرباز اشغالگر اسرائیلی است، معتقد است بخش‌های اشغال‌شده فراتر از قوانین سازمان ملل غیرقانونی‌اند و باید تخریب شوند؛ گرچه دولت رژیم صهیونیستی در نهایت این کار را نمی‌کند. راهنمای گروه دوم که یک اشغالگر متعصب است اعتقاد دارد که همه فلسطین متعلق به آنهاست و هر چه زودتر باید از دست فلسطینی‌ها خارجش کنند.

«و این یکی از اون بیستوشش شهرکیه که نتانیا هو می‌خواهد پاکسازی‌اش کنه تا دل اوباما رو به دست بیاره، اما هر شهرکی رو که ببندن به جاش دوتای دیگه سبز می‌شه ... مثلاً، پسر شونزده‌ساله من همراه با یکی از دوستاش یه تپه رو اشغال کردن تا یه شهرک درست کنن.»

گی دولیل در آخرین روز سفر خود به محله شیخ جراح می‌رود؛ جایی که اشغالگران اسرائیلی با سوراخ کردن دیوار، خانه یک خانواده فلسطینی را اشغال کردند:

« - می‌بینی؟ ... دارن سوراخی که رو که دیروز
کندن پر می‌کنن. برای محافظت نیروهای امنیتی
خصوصی هم استخدام کردن. حالا که او مدن تو
دیگه تمومه... بیرون رفتنی نیستن.»
و کتاب با تصویری از یک مرد اشغالگر به پایان
می‌رسد، مرد روی بام یک خانه فلسطینی ایستاده
و می‌گوید: «این‌جا از الان خونه منه!»